

حق فلسطینیان برای مقاومت و ادعای اسرائیل به دفاع از خود

حمله نظامی اسرائیل به نوار غزه که در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، ویرانی‌های عظیمی و تلفات انسانی خیره‌کننده‌ای به بار آورده است. با کشته شدن بیش از ۶۱,۲۰۰ فلسطینی - که تخمین زده می‌شود ۸۰ درصد آن‌ها غیرنظامی باشند - شهرهایی مانند رفح به طور کامل تخریب شده‌اند و ۸۰ درصد زیرساخت‌های غزه، از جمله بیمارستان‌ها، مدارس و سیستم‌های آب، نابود شده است. این حمله نمی‌تواند به عنوان یک «جنگ» متعارف طبقه‌بندی شود. به جای درگیری مسلحانه بین دو دولت مستقل، این یک حمله از سوی یک قدرت اشغالگر علیه جمعیت غیرنظامی تحت کنترل آن است. این مقاله سه نکته حقوقی مرتبط با یکدیگر را مطرح می‌کند: (۱) فلسطینیان طبق حقوق بین‌الملل دارای حق شناخته‌شده‌ای برای مقاومت در برابر اشغال هستند؛ (۲) اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر نمی‌تواند به طور قانونی به دفاع از خود طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد استناد کند تا کمپین نظامی خود در غزه را توجیه کند؛ و (۳) اقدامات اسرائیل نقض‌های مکرر و جدی حقوق بین‌الملل را تشکیل می‌دهد، از جمله اشغال غیرقانونی، آپارتاید و بی‌توجهی سیستماتیک به هنجارهای حقوقی.

حق فلسطینیان برای مقاومت در برابر اشغال

حق مقاومت در برابر اشغال خارجی به طور محکمی در حقوق بین‌الملل ریشه دارد. این حق از اصل خودمختاری سرچشمه می‌گیرد که در ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) تثبیت شده است. برای فلسطینیان که از سال ۱۹۴۷ در کرانه باختری، بیت‌المقدس شرقی و غزه تحت اشغال اسرائیل زندگی می‌کنند، این حق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مشروعیت مقاومت را در چندین قطعنامه تأیید کرده است. قطعنامه ۳۷/۴۳ (۱۹۸۲) «مشروعیت مبارزه مردم برای استقلال، تمامیت ارضی، وحدت ملی و رهایی از سلطه استعماری و خارجی و اشغال خارجی با تمام وسایل موجود، از جمله مبارزه مسلحانه» را اعلام می‌کند. علاوه بر این، ماده ۱(۴) پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۷۷) درگیری‌های مسلحانه‌ای را که شامل مردمی است که در برابر اشغال خارجی یا سلطه استعماری مقاومت می‌کنند، به عنوان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد و به این مبارزات مشروعیت حقوقی تحت حقوق بشردوستانه بین‌المللی (IHL) اعطا می‌کند.

اگرچه اسرائیل در سال ۲۰۰۵ به طور رسمی شهرک‌های خود را از غزه خارج کرد، دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در نظر مشورتی خود در ژوئیه ۲۰۲۴ تأیید کرد که غزه طبق حقوق بین‌الملل همچنان تحت اشغال است، با توجه به کنترل مؤثر اسرائیل بر مرزها، حریم هوایی و دسترسی دریایی آن. این وضعیت حقوقی، حق مردم فلسطین برای مقاومت در برابر اشغال را فعال می‌کند.

ناتوانی اسرائیل در ادعای دفاع از خود علیه سرزمین اشغالی

اسرائیل اغلب به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد استناد می‌کند تا اقدامات نظامی خود را به‌عنوان دفاع از خود توجیه کند. با این حال، این منطق حقوقی در زمینه سرزمین اشغالی قابل اعمال نیست. نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۰۴ درباره پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین به‌وضوح بیان کرد که دفاع از خود طبق ماده ۵۱ تنها در پاسخ به حمله مسلحانه از سوی یک دولت خارجی اعمال می‌شود. دیوان به‌صراحت اعلام کرد:

«ماده ۵۱ منشور... در این مورد هیچ ارتباطی ندارد، زیرا اسرائیل ادعا نمی‌کند که حملات علیه آن به یک دولت خارجی نسبت داده می‌شود.» (ICJ، ۲۰۰۴، بند ۱۳۹)

در عوض، اسرائیل به‌عنوان قدرت اشغالگر ملزم به رعایت کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) است که تعهدات آن نسبت به جمعیت تحت اشغال را تنظیم می‌کند. این تعهدات شامل حفاظت از غیرنظامیان (مواد ۲۷ و ۳۳)، ممنوعیت مجازات جمعی و وظیفه اطمینان از دسترسی به منابع ضروری مانند غذا، آب و مراقبت‌های پزشکی (مواد ۴۹ و ۵۵) است.

رفتار نظامی اسرائیل در غزه به‌طور آشکار این تعهدات را نقض می‌کند. کشته شدن بیش از ۶۱,۲۰۰ فلسطینی - که اکثراً زنان و کودکان هستند - همراه با تخریب ۸۰ درصد خانه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس، نمی‌تواند با هیچ توجیه امنیتی مشروعی توجیه شود. محاصره و تحریم غزه که از سال ۲۰۰۷ برقرار است، طبق حقوق بشردوستانه بین‌المللی مجازات جمعی محسوب می‌شود و به‌عنوان چنین توسط مأموریت حقیقت‌یاب سازمان ملل در مورد درگیری غزه (۲۰۰۹) محکوم شده و در سال ۲۰۲۴ توسط عفو بین‌الملل تأیید شده است.

به‌ویژه حمله به رفح در ماه مه ۲۰۲۴، که علی‌رغم اقدامات موقت صادرشده توسط دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده آفریقای جنوبی علیه اسرائیل در مورد نسل‌کشی آغاز شد، فجیع بود. این عملیات ۱.۲ میلیون فلسطینی را آواره کرد و گذرگاه رفح - دروازه اصلی برای کمک‌های بشردوستانه - را بست، که بحران انسانی را عمیق‌تر کرد. تخریب محیط‌زیست و زیرساخت‌های کشاورزی غزه، از جمله ۸۰ درصد پوشش گیاهی، ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی، ۴۷ درصد چاه‌های آب زیرزمینی و ۶۵ درصد مخازن آب، ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو را نقض می‌کند، که قدرت اشغالگر را ملزم به اطمینان از تأمین غذا و تجهیزات پزشکی برای جمعیت می‌کند.

نقض‌های مکرر و فرسایش هنجارهای حقوقی

سیاست‌های اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین (OPT) الگویی ثابت از نقض حقوق بین‌الملل و نادیده گرفتن تعهدات حقوقی را نشان می‌دهد، در حالی که دیگران را به دلیل رفتار مشابه محکوم می‌کند. این نقض‌ها در سه حوزه اصلی مشهود هستند:

توسعه‌طلبی و شهرک‌سازی غیرقانونی

طبق ماده ۴۹(۶) کنوانسیون چهارم ژنو، انتقال جمعیت قدرت اشغالگر به سرزمین اشغالی ممنوع است. با این حال، اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۲۰ ساخت نزدیک به ۲۴,۰۰۰ واحد مسکونی برای شهرک‌نشینان در کرانه باختری را تأیید کرده و بیش از ۶۷۵,۰۰۰ دونم از زمین‌های کرانه باختری را برای شهرک‌سازی کنترل می‌کند. این اقدامات سرزمین فلسطینی را تکه‌تکه کرده و امکان ایجاد یک دولت فلسطینی قابل‌دوام را تضعیف کرده است.

نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴ غیرقانونی بودن این شهرک‌ها را تأیید کرد و به اسرائیل دستور داد که آن‌ها را برچیند و اشغال را تا سپتامبر ۲۰۲۵ پایان دهد. علاوه بر این، استفاده نامتناسب اسرائیل از منابع طبیعی مشترک،

از جمله بهره‌برداری از ۹۰ درصد تأمین آب سفره کوهستانی، ممنوعیت‌های حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در مورد بهره‌برداری از منابع در سرزمین‌های اشغالی را نقض می‌کند.

آپارتاید به‌عنوان جنایت علیه بشریت

سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر - از جمله عفو بین‌الملل (۲۰۲۲) و دیده‌بان حقوق بشر (۲۰۲۱) - تعیین کرده‌اند که سیاست‌های اسرائیل طبق حقوق بین‌الملل آپارتاید محسوب می‌شود. کنوانسیون آپارتاید ۱۹۷۳ و ماده ۷(۲)(h) اساسنامه رم آپارتاید را به‌عنوان یک رژیم نهادی سرکوب سیستماتیک یک گروه نژادی بر گروه دیگر تعریف می‌کنند.

رژیم اسرائیل این تعریف را برآورده می‌کند:

- **نظام‌های حقوقی دوگانه:** فلسطینیان در کرانه باختری تحت قانون نظامی قرار دارند، در حالی که شهرک‌نشینان یهودی از حمایت‌های قانون مدنی برخوردارند.
- **آوارگی اجباری:** ده‌ها هزار فلسطینی حقوق اقامت خود را از دست داده‌اند و بیش از ۳۵ روستای بادیه‌نشین به رسمیت شناخته نشده‌اند.
- **تبعیض ملیتی:** فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی بی‌تابعیت باقی می‌مانند و از شهروندی اسرائیل و یک دولت مستقل فلسطینی محروم هستند.

حکم دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴ تعیین آپارتاید را تأیید کرد و به سلطه و سرکوب سیستماتیک به‌عنوان امری قانونی اشاره کرد.

نیروی نظامی بی‌رویه و نامتناسب

رفتار نظامی اسرائیل در غزه به‌طور مکرر اصول حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در مورد تمایز، تناسب و ضرورت را نقض می‌کند. جنایات جنگی خاص طبق ماده ۸ اساسنامه رم شامل موارد زیر است:

- هدف قرار دادن غیرنظامیان یا زیرساخت‌های غیرنظامی (ماده ۸(۲)(b)(ii))
- حملات نامتناسب (ماده ۸(۲)(b)(iv))
- گرسنگی دادن به غیرنظامیان به‌عنوان روش جنگی (ماده ۸(۲)(b)(xxv))

نمونه‌ها شامل موارد زیر است:

- حمله هوایی در ۱۶ آوریل ۲۰۲۴ به اردوگاه پناهندگان المغازی که ۱۵ غیرنظامی، از جمله ۱۰ کودک، را کشت.
- بمباران‌های اکتبر ۲۰۲۴ مدرسه التباعین و مسجد شهدا الأقصى که بیش از ۱۰۰ نفر را کشت.
- مرگ ۲۱۷ روزنامه‌نگار، ۱۲۰ دانشگاهی و ۲۲۴ امدادگر بشردوستانه، از جمله ۱۷۹ کارمند آنروا.

این اقدامات بخش‌های بزرگی از غزه را غیرقابل سکونت کرده و معیارهای پاکسازی قومی و احتمالاً نسل‌کشی را برآورده می‌کند، همان‌طور که دیوان بین‌المللی دادگستری در ژانویه و مه ۲۰۲۴ اشاره کرد.

استانداردهای دوگانه و استثنای حقوقی

با وجود نقض هایش، اسرائیل به طور معمول کاربرد حقوق بین الملل را به چالش می کشد. مقامات اسرائیلی ادعا می کنند که کرانه باختری و غزه سرزمین های «مورد مناقشه» هستند، نه اشغالی، و احکام دیوان بین المللی دادگستری را غیرالزام آور می دانند. با این حال، اسرائیل اغلب به حقوق بین الملل استناد می کند تا دیگران مانند ایران، حزب الله یا خود دیوان کیفری بین المللی را محکوم کند. این پایبندی گزینشی قانون مداری را تضعیف می کند و مانع از پاسخگویی معنادار می شود، به ویژه با توجه به محافظت مداوم از اسرائیل توسط وتوی ایالات متحده در شورای امنیت سازمان ملل.

نتیجه گیری

حمله نظامی اسرائیل به غزه، به دور از یک اقدام قانونی دفاع از خود، نقض جدی و مداوم حقوق بین الملل را تشکیل می دهد. به عنوان یک قدرت اشغالگر، اسرائیل هیچ حق قانونی برای جنگ علیه جمعیتی که کنترل می کند ندارد. حق فلسطینیان برای مقاومت در برابر اشغال در حقوق بین الملل تثبیت شده است، حتی اگر این مقاومت باید با هنجارهای بشردوستانه مطابقت داشته باشد. نقض های سیستماتیک اسرائیل - از جمله جنایات جنگی، مجازات جمعی، آپارتاید و توسعه طلبی - نیازمند پاسخگویی فوری بین المللی است. احکام دیوان بین المللی دادگستری در سال ۲۰۲۴، همراه با شواهد رو به افزایش از سازمان های حقوق بشر، نشان می دهد که مصونیت دیگر قابل تحمل نیست. حمایت از حقوق بین الملل ایجاب می کند که اقدامات اسرائیل به عنوان استثنا تلقی نشود، بلکه به عنوان جنایت شناخته شود - و کسانی که در این اقدامات شریک هستند، از جمله دولت های خارجی، به طور برابر طبق کنوانسیون نسل کشی، اساسنامه رم و اصول منشور سازمان ملل متحد پاسخگو باشند.